

الواح نازله به اعزاز حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی

دکتر باهر فرقانی

ارزش خدمات جلیله جناب میرزا حیدر علی اصفهانی در عهد ابهی و دور میثاق از عنایاتی که در الواح مقدسه حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء در حق آن خادم براننده امرالله مبدول گشته کاملاً واضح و آشکار است و این آن چیزی است که در سطور و صفحات آینده ضمن مطالعه آن آثار مبارکه می توان مشاهده نمود.

بعضی از الواح نازله از اقلام حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء خطاب به حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی در زمره این آثارند و بعضی گرچه به نام آن شخص جلیل صادر گشته حاوی مسائل مهم عمومی و شارح تعالیم مبارکه الهی نیز می باشند.

الواح نازله از قلم حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء به افتخار جناب میرزا حیدر علی اصفهانی کثیرند و در این مقام سعی می شود که در دو قسمت جداگانه و با رعایت اختصار به بعضی از آنها اشاره شود.

قسمت اول - الواح مقدسه نازله از قلم اعلی به اعزاز جناب حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی

الواح مقدسه ای که از قلم حضرت بهاء الله خطاب به حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی نازل شده اغلب متعلق به دوران حیات مبارک در عکاً است و این دوره ای است که در طول رسالت روحانی

چهل ساله حضرت بهاءالله اهمیت خاصی را دارا است. این دوره در حقیقت بخشی از پرثمرترین مرحله از مراحل مختلفه حیات جمال اقدس ابهی بوده است. در این دوره به فرموده حضرت ولی امرالله «در شئون و احوال حیات مبارک تغییر و تحوّل معجزه آسا رخ گشود و در اشراقات و تجلیات آن نیر اعظم انقلاب عظیم ظاهر گردید.»^۱

الواح نازله از قلم حضرت بهاءالله به اعزاز حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی زیاد است و این حقیقتی است که خود هیکل مبارک در چند فقره از الواح مقدسه خطاب به حاجی به آن شهادت داده‌اند. از جمله در لوحی می‌فرمایند: «یا حیدر قبل علیّ علیک بهائی، به شأنی مذکوری که در هر ورقی ملاحظه می‌شود ذکری از تو در آن موجود. در طلب عنایت از طماع مشهور گذشته‌ای. کلّ ذلک من فضل الله هنیئاً لک و مرئئاً لک. از کأس خضوع چشیده‌ای و از جام خشوع قسمت برده‌ای...»^۲

در لوح دیگر می‌فرمایند:

«یا حیدر قبل علی، انزلنا لک فی السّجن ما قرّت به عیون الملأ الاعلی و الجنّة العلیا. اشکر ربّک بهذا الفضل العظیم. مرّة انزلنا لک الآیات بلسان عربیّ مبین و بدّلناه اخری باللّغة النّوّاء و ذکرناک بلسان عجمیّ بدیع. مرّة ارسلنا الیک بحر الحیوان فی ذکر ربّک الرّحمن و اخری نفحات الوحی الّتی بها تعطّرت عوالم الله المقتدر العزیز الحمید.»^۳

به طوری که از نوشته‌های حاجی میرزا حیدر علی برمی‌آید آن نفس نفیس از همان اوایل ورود به خرطوم بدون اینکه از تبعید حضرت بهاءالله به عکّا مطلع باشد عرائضی به حضور مبارک به ادرنه می‌فرستاده که گویا حضور مبارک نرسیده است. ولی حضرت بهاءالله پس از انتقال به سجن عکّا یکی از احبّ را به نام جاسم برای اطلاع از احوال حاجی به مصر اعزام نمودند و او پس از مدتی جستجو آن نفس جلیل را یافت و مراحم و عنایات مبارک را ابلاغ نمود و پس از حصول این ارتباط به طوری که حاجی می‌نویسد سالی در حدود ۴ یا ۵ لوح از ساحت اقدس از سجن اعظم به افتخار وی و سایر زندانیان می‌رسیده است.

الواح مقدسه حضرت بهاءالله که در آنها به نحوی نام جناب حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی آمده بسیار زیادند. از نظر سهولت در مطالعه، آنها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

- ۱- الواحی که در آنها نام جناب حاجی به عنوان واسطه آمده است.
 - ۲- الواحی که به افتخار افراد دیگر صادر شده ولی در آنها به جناب حاجی میرزا حیدر علی اشاره گردیده است.
 - ۳- الواحی که به نام جناب میرزا حیدر علی صادر شده که بعضی در تجلیل خدمات ایشان است و برخی حاوی مطالبی در باره دیگر افراد می‌باشد و تعدادی هم حاوی مطالب کلی و عمومی است. در این مقاله فقط بخش سوّم مورد توجه و بررسی قرار گرفته است.
- در میان الواحی که از قلم عالی به افتخار حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی نازل شده دو لوح بسیار

مهم وجود دارد که یکی کلمات فردوسیّه و دیگری لوح طرازات است. بنا بر این در این مقام ابتدا این دو لوح مبارک مورد بررسی قرار می‌گیرند و بعد بعضی از الواح دیگر که از قلم اعلی به نام حاجی صادر شده‌اند به اختصار معرّفی خواهند شد.

در دوران عکّا پس از نزول کتاب اقدس الواح مهمّ دیگری از قلم اعلی صادر شده که بعضی از آنها در میان آثار حضرت بهاء‌الله اهمّیت خاصّی را حائزند. این الواح عبارتند از بشارات- اشراقات- طرازات- کلمات فردوسیّه و تجلیات که به طور کلیّ در توضیح و تشریح احکام و تعالیمی هستند که از قبل در آثار مبارکه از قلم حضرت بهاء‌الله صادر شده. به شهادت حضرت ولیّ امرالله «این اسفار جلیله که از آثار عظیمه و اخیره قلم خستگی‌ناپذیر جمال اقدس ابهی محسوب در عداد اعلی و ابهی ثمرات جنیّه آن خزانه علم الهی و هدف غائی و کمال نهائی رسالت چهل ساله آن جمال مبین است» و «مکمل حدود و احکام کتاب اقدس» محسوب می‌شوند.^۴

در آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء نیز تأکیدات بسیاری در باره این الواح مخصوصه موجود است. از جمله در یکی از الواح خطاب به احتیای غرب می‌فرمایند: «الواح اشراقات و طرازات و بشارات و تجلیات و کلمات از قرار مسموع ترجمه شده و در آن صفحات طبع گردیده. علی العجاله به آن سررشته اخلاق و اطوار به دست آید»^۵ در لوح دیگر می‌فرمایند: «الواح طرازات و کلمات و تجلیات و اشراقات و بشارات را به امعان نظر بخوانید و به موجب تعالیم الهیّه قیام نمائید»^۶

حضرت عبدالبهاء در بسیاری از الواح مبارکه در باره ترجمه این الواح به زبان‌های مختلفه و ارائه آنها به نفوس مستعده و نیز اهداء آنها به کتابخانه‌ها تأکید شدید فرموده‌اند. از جمله در یکی از الواح مبارکه به جناب عندلیب دستور می‌فرمایند که دو نسخه از این الواح را تذهیب کنند تا به کتابخانه‌های انگلیس و فرانسه ارسال شود.

بیانات مبارکه فوق اهمّیت این الواح پنجگانه را نشان می‌دهد و جالب این جاست که دو فقره از این الواح مهمّه به افتخار جناب میرزا حیدر علی اصفهانی نازل شده که یکی کلمات فردوسیّه و دیگری طرازات است.

کلمات فردوسیّه

نام میرزا حیدر علی اصفهانی بر صدر بعضی از نسخه‌های اصلی این لوح مبارک دیده می‌شود. لهذا در انتساب این لوح مبارک به جناب حاجی شکی نیست ولی شواهد دیگری نیز موجود است که انتساب این لوح مبارک را به جناب حاجی میرزا حیدر علی تأیید می‌کند. اولاً لوح مبارک پس از یک مناجات کوتاه با عبارت «یا حیدر قبل علی علیک ثناء الله و بهائه» آغاز می‌شود و این خطاب بار دیگر در صفحات بعدی از لوح مبارک تکرار می‌گردد. توضیحاتی هم که در ذیل ترجمه انگلیسی این لوح مبارک داده شده مؤید این حقیقت می‌باشد.^۷

لوح مبارک کلمات فردوسیّه به زبان فارسی است ولی مانند بسیاری از الواح دیگر عبارات و جملات عربی هم در آن دیده می‌شود و نمونه‌ای است از الواحی که در آنها لسان عربی و زبان

فارسی مانند شیر و شکر به هم آمیخته است. این لوح مبارک دو سال قبل از صعود حضرت بهاء الله یعنی در سال ۱۸۹۰ م. از قلم اعلی نازل شده و محل نزول آن به طوری که در متن آن اشاره شده عکاً بوده است. از جمله در پایان ورق ششم از فردوس اعلی می فرمایند: «كذلك نطق لسان المظلوم فی سجنه العظیم»^۸ و در مقام دیگر از همین لوح مبارک خطاب به اهل طار^۹ می فرمایند: «انّه اقبل اليكم من سجن عكاً»^{۱۰}

حضرت بهاء الله لوح مبارک کلمات فردوسیّه را با مناجاتی در حق اولیای الهی برای حصول انقطاع و تقوی آغاز می فرمایند و اهل بها را به نصرت خداوند به بیان و تبلیغ ناس به اعمال و اخلاق دعوت می کنند؛ ارتفاع مقام انسان را به امانت و عفت و عقل و اخلاق مشروط می سازند و هبوط وی را به خیانت و کذب و جهل و نفاق منسوب می نمایند؛ امتیاز انسان را در آداب و معرفت می دانند و نه در زینت و ثروت؛ از اکثر عباد که به اوهام و ظنون مشغول و از مشرق آیات الهی محرومند شکایت می کنند و حاجی را «بر کسر اصنام اوهام و خرق سبحات انام»^{۱۱} تشویق می فرمایند و معنی نصرت و تبلیغ و شرائط مبلّغین را توضیح می دهند.

جمال اقدس ابهی در این صحیفه نورا کل را به اتحاد و اتفاق دعوت می کنند و مضرات اختلاف احزاب را یاد آور می شوند؛ اوهام و ظنون عرفای ملت اسلام را سبب کسالت و انزوا می شمارند و انسان بی ثمر را به مثابه شجر بی ثمر و لائق نار معرفی می فرمایند؛ علما را از پیروی ظنون و اوهام تحذیر و به اتباع نفس مقدسی که به علم مبین و یقین متین ظاهر شده دعوت می نمایند؛ نسبت به حکمائی که «حکمتشان محض قول نبوده بلکه اثر و ثمر در عالم از ایشان ظاهر شده و باقی مانده»^{۱۲} اظهار محبت می کنند و احترام آنان را بر کل لازم می دانند.

حضرت بهاء الله در کلمات فردوسیّه در یازده قسمت که هر یک را ورقی از فردوس اعلی نام گذاشته اند تعالیم و نصائح بسیاری را مطرح می فرمایند:

خشیه الله را «حفظ مبین و حصن متین از برای عموم اهل عالم» معرفی می فرمایند و از حیا به عنوان آیتی یاد می کنند که «انسان را از آنچه شایسته و لائق نیست منع می نماید و حراست می فرماید». اولیای عالم را به دین که «سبب بزرگ از برای نظام جهان و اطمینان من فی الامکان»^{۱۳} است دعوت می فرمایند و مراتب فضل و عدل را بیان می کنند؛ خضوع را سبب عزت و اقتدار و غرور را موجب ذلت و انکسار معرفی می نمایند و در همین قسمت عظمت این یوم و ظهور مبارک را نیز متذکر می شوند.

در ورق دیگر از حزب الله دعوت می کنند که از برای حفظ مظاهر سطوت و قدرت از شر نفس و هوی دعا و مناجات نمایند و ضمن اشاره به محمد شاه بیان می فرمایند که از او «مع علو مقام دو امر منکر ظاهر: اول نفی سلطان ممالک فضل و عطا، حضرت نقطه اولی، و ثانی قتل سید مدینه تدبیر و انشاء»^{۱۴}

امر اول یعنی نفی حضرت ربّ اعلی بر خوانندگان محترم این سطور آشکار است ولی در باره امر ثانی شاید نیاز به این توضیح باشد که مقصد از سید مدینه تدبیر و انشاء میرزا قائم مقام فراهانی است.

میرزا ابوالقاسم فراهانی قائم مقام در سال ۱۸۲۱ م. در دوره فتح‌علی شاه نخست وزیر ایران شد ولی در سال ۱۸۳۵ م. به فرمان محمد شاه در اثر توطئه حاجی میرزا آقاسی مقتول گردید. وی دارای ذوق ادبی بود و منشآت او مشهور است.

در آثار حضرت بهاء‌الله از قائم مقام فراهانی به نیکی یاد شده که خود نشانه شخصیت قابل تحسین وی می‌باشد. نوۀ این شخص جلیل به نام آقا خان قائم مقامی بعداً با امر بهائی آشنا شد و در جرگه مؤمنین جان‌فشان درآمد.

حضرت بهاء‌الله در ورق دیگر از کلمات مبارکه فردوسیۀ بیان می‌فرماید که خرد «بیک رحمن است و مظهر اسم علام» و «اوست دانا و معلّم اول در دبستان وجود» و سپس بیان می‌کنند که «سراج عباد داد است... و مقصود از آن ظهور اتحاد است بین عباد»^{۱۵}

در ورق هفتم مضرات بیگانگی و منافع یگانگی یادآوری شده و تأکید گردیده که افتخار به علم و عمل و اخلاق و دانش است نه به وطن و مقام.

تربیت اطفال به شرائط دین و تعلیم وحدت خطّ و لسان هم از جمله وصایای جمال اقدس ابهی در ورق هشتم از اوراق فردوس اعلی است.^{۱۶}

در ورق نهم لزوم اعتدال در امور و مضرات تجاوز از آن یادآوری شده و تمدن اهل غرب که سبب ظهور آلت جهنمیّه و اضطراب اهل عالم شده به عنوان مثال ذکر گردیده؛ لزوم تمسک به صلح اکبر مورد تأکید قرار گرفته و در باره اسباب عجیبۀ غریبه که در ارض موجود است پیشگوئی شده است.

در همین قسمت حضرت بهاء‌الله رجال بیت عدل عمومی را به «صیانت و حفظ عباد و اماء و اطفال» وصیت می‌نماید و امر می‌فرماید که «در جمیع احوال به مصالح عباد ناظر باشند»^{۱۷}

در اوراق بعدی این لوح مبارک انزوا و ریاضات شاقه غیرمقبول شمرده شده و کُلّ به «محبّت و وداد و شفقت و اتحاد»^{۱۸} مأمور گردیده‌اند.

حضرت بهاء‌الله در کلمات فردوسیۀ علاوه بر بیان تعالیم و نصایحی که ذکر شد به بعضی مطالب دیگر که به اوضاع و شرایط زمان آن دوره ارتباط دارند اشاره می‌فرمایند. اتهامات و اعتراضات بابیان و اقدامات سوء ازلی‌ها، از جمله هادی دولت‌آبادی، و توضیح در معنی و مفهوم نصرت امرالله از جمله مطالبی است که در این لوح مبارک مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

حضرت بهاء‌الله در لوح مبارک کلمات فردوسیۀ از یک طرف شرایط اعتلای حیات فردی و از طرف دیگر لوازم مدنیت اجتماعی را بیان می‌فرماید. تعالیم فردی مانند خضوع و خشوع - امانت و اخلاق - خشیه الله - حیا - انقطاع و تقوی - عدل و انصاف در این لوح مبارک مورد تأکید قرار گرفته است. اصول اجتماعی نیز از قبیل اهمیّت دین - تمسک به وحدت و یگانگی - صلح - وحدت خطّ و لسان - لزوم اعتدال و مضرات تمدن مادی افراطی و وظائف بیت عدل در این لوح مبارک تشریح گردیده است.

طرازات

طرازات یکی دیگر از الواح پنجگانه است که در دوران عکا پس از کتاب مستطاب اقدس از قلم اعلی نازل گردیده است.

این لوح مبارک به زبان فارسی است ولی بعضی عبارات و جملات عربی نیز در آن موجود است. بعضی از محققین بهائی مخاطب لوح طرازات را نامعلوم دانسته‌اند^{۱۹} ولی جناب محمد علی فیضی^{۲۰} و جناب اشراق خاوری^{۲۱} مخاطب آن را حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی معرفی نموده‌اند. محل نزول لوح طرازات عکا است و زمان نزول آن مانند سایر الواح نازلۀ در این ایام حدود سال‌های ۱۸۷۹ و ۱۸۹۰ م. بوده است. به نظر می‌رسد که طرازات پس از الواح اشراقات نازل شده باشد زیرا در طرازات از اشراقات نقل قول گردیده است.^{۲۲} از طرف دیگر به طوری که از بیان حضرت ولی امرالله در یکی از توقیعات خطاب به احتبای انگلیس برمی‌آید طرازات در ۱۸۹۰ م. چاپ و در دسترس احتبا قرار گرفته است.^{۲۳}

حضرت بهاءالله در صدر این لوح مبارک دو نکته دقیقۀ را یادآور می‌شوند: یکی اینکه در اشاره به ظهور مبارک می‌فرمایند: «به کلمۀ اثباتش محور راه نیافت.»^{۲۴} و دیگر اینکه بیان می‌کنند که با وجودی که از اول امر مظاهر ظلم بر علیه امر برخاسته‌اند خداوند به قدرت خود آن را حفظ کرده و حقیقت «اشرف الارض و السماء بضیائه و اشراقه»^{۲۵} مصداق پیدا نموده است.

مسأله حروف نفی و اثبات در بعضی از آثار مبارکۀ دیگر هم مورد اشاره قرار گرفته است مخصوصاً در لوح مبارک سلمان. حضرت بهاءالله در لوح سلمان می‌فرمایند: «قلم رحمن می‌فرماید در این ظهور حرف نفی را از اول اثبات برداشتم.»^{۲۶} جمال مبارک در همین لوح مبارک ضمن اشاره به عبارت «لا اله الا الله» که در آثار اسلامی بسیار دیده می‌شود بیانی به این مضمون می‌فرمایند که در گذشته ایام به مناسبت تقدّم حرف نفی بر حرف اثبات یعنی تقدّم کلمۀ لا به الا حروف نفی بر حروف اثبات به ظاهر غلبه داشته‌اند که اشاره به غلبۀ موقتی خلفای اسلام بر حضرت علی پس از درگذشت حضرت محمد است و بعد در همان لوح مبارک می‌فرمایند که در این ظهور اعظم حرف نفی از اول اثبات برداشته شده است. اینست که ملاحظه می‌شود در الواح مبارکه اغلب عباراتی مانند هوالله - هو الابهی - هو السلطان العلیم الحکیم و نظایر آنها آمده است که همه با کلمۀ هو آغاز می‌شوند.

حضرت بهاءالله در لوح مبارک طرازات پس از نزول مناجاتی در طلب تأیید از برای احتبای الهی و خادمین امر اعزّ روحانی در شش قسمت که هر یک به طراز نامگذاری شده به شرح بعضی از تعالیم امر الهی می‌پردازند؛ توجّه انسان را به معرفت نفس خود و «به آنچه سبب علو و دنو و ذلت و عزّت و ثروت و فقر است» معطوف می‌فرمایند و ثروت را «اگر از صنعت و اقتراف حاصل شود» ممدوح و مقبول می‌شمارند؛ نفوسی را که «بر تربیت عالم و تهذیب نفوس امم قیام نموده‌اند» «ساقیان کوثر دانائی و هادیان سبیل حقیقی» معرفی می‌کنند و راهی را که «انسان را به مشرق بینائی و مطلع دانائی کشاند و به آنچه سبب عزّت و شرف و بزرگی است رساند» راه راست تعیین می‌فرمایند.^{۲۷}

قلم اعلی در همین لوح مبارک معاشرت با ادیان را به روح و ریحان تشویق و آن را سبب اتحاد و اتفاق معرفی می‌فرمایند؛ اهل عالم را به بردباری و نیکوکاری دعوت و به این دو به عنوان دو سراج از برای ظلمت عالم و دو معلم از برای دانائی امم اشاره می‌فرمایند؛ خلق نیک را سبب هدایت خلق به صراط مستقیم و نبأ عظیم می‌دانند و نفوس را به عدل و انصاف وصیت می‌فرمایند.

جمال اقدس ابهی در این لوح مبارک بر امانت که «باب اعظم است از برای راحت و اطمینان خلق» تأکید می‌نمایند و اهل بهاء را به احترام ارباب علم و هنر تشویق و صنعت و هنر اهل غرب را تحسین می‌فرمایند؛ دانائی را از نعمت‌های بزرگ الهی می‌شمارند و تحصیل آن را بر کلّ لازم می‌دانند؛ روزنامه را مرآت جهان معرفی و نگارنده آن را به عدل و انصاف و تفحص در امور تشویق و از پیروی غرض نفس و هوی تحذیر می‌فرمایند.

در خاتمه لوح طرازات حضرت بهاء‌الله اهل بیان را مخاطب قرار داده نصیحت می‌کنند که از عاقبت کار حزب قبل یعنی شیعه درس بگیرند و خود را از ظنون و اوهام مقدس نمایند و بعد اشاره می‌فرمایند که نفوسی مانند هادی دولت آبادی مردم را به اوهام مبتلا کرده‌اند و بعد خود هادی دولت آبادی را به تفکر و تنبه و به عدل و انصاف نصیحت می‌فرمایند.

کلمات فردوسیّه و لوح طرازات در مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده چاپ آلمان درج شده و در دسترس احبّا است.

الواح دیگری هم از قلم حضرت بهاء‌الله به افتخار جناب میرزا حیدر علی اصفهانی نازل شده است که اغلب در تجلیل از خدمات آن نفس نفیس و بعضی هم حاوی مطالب کلی و عمومی است. در لوحی خطاب به میرزا حیدر علی در تجلیل از خدمات آن نفس جلیل چنین می‌فرمایند:

«بسمی المشفق الکریم. یا حیدر، مالک قدر ذکرتم نموده و می‌نماید و می‌فرماید حال مصرف تو چیست و خدمت تو چه؟ اثرت کو، ثمرت کجا؟ بگو بگو یا مقصود النبیین و المرسلین، عمرم در راه تو صرف شد، این مصرفم. خدمتم قیام بر خدمت امرت و ذکر و ثنایت بین عبادت، این هم خدمتم. اثرم نشر احکامت و ذکر اولیائت و مودت دوستانت، این هم اثرم. اما الثمر بیدک لیس لی ان اذکر و انطق فی هذا المقام. اگر عنایتت اخذ فرماید اثمار این سدره عبودیت را به شأنی ظاهر فرمائی که سبب نجات و آزادی اهل عالم شود. الامر امرک و الحکم فی یمینک و فی قبضة قدرتک. تفعل ما تشائی، چه می‌توان گفت؟ الحمد لک، امرت مطاع و حکمت چون جان مقبول، بل جان را شأنی نه و روان را در این مقام مقداری نه. جلّت عظمتک و علت قدرتک. لا حاکم الا انت و لا آمر الا انت و لا مقصود الا انت و لا محبوب الا انت...»^{۲۸}

در لوح دیگری که به قرار نوشته جناب میرزا حیدر علی در بهجت الصدور در ادرنه صادر و به مصر ارسال شده حضرت بهاء‌الله نزول بلا را بر آن نفس مبتلا پیش‌بینی فرموده‌اند:

«قد سمعنا ضجیجک و حنینک فی بعدک عن مطلع الانوار. ان اصبر و لا تجزع. فارض بما قضی

الله لك و انه لموقى اجور الصابرين. اما رأيت سجنى و بلائى و ضرى و ابتلائى. ان اتبع سنن ربك و ان من سننه ابتلاء عبادہ الاخيار. لا تحزن من شىء و توكل على الله ربك و انه يؤيدك و يقربك و ينصرک و ان یمسك الضر فى سبيلى و الذلة لاسمى افرح و كن من الشاكرين. كذلك القيناك قول الحق لئلا تزل حين نزول البلاء عليك و تكون كالجبل الثابت الراسخ فى امر مولاك و تكون من الفرحين...»^{۲۹}

جمال اقدس ابهى در جواب يکى از عرائض ميرزا حيدر على که در آن تمنای شهادت نموده بود چنین می فرماید: «این مظلوم شهادت می دهد بر شهادت آن جناب. اشکر ربک بهذا الفضل العظيم.»^{۳۰}

در لوحی دیگر با بیان مبارک زیر دوستان الهی را به استماع نصائح جناب حيدر على دعوت می فرماید:

«وقتی از اوقات این کلمه علیا از لسان مولی الوری ظاهر، قوله جلّ جلاله: یا عبد حاضر، باید دوستان نصائح و مواعظ جناب حيدر را به سمع قبول اصفا نمایند، انتهى. آنچه نازل البتّه ظاهر شده و می شود. طوبی از برای عبادی که لذت امر را بیابند و شهد عمل را بنوشند. هر نفسی به آن فائز شد البتّه به امر الهی تمسک جوید و به عمل قیام نماید. عمل آن محبوب لله الحمد مقبول چه که لوجه الله بوده و هست. این است شهادت خادم فانی و کان ربی على ما اقول شهيداً...»^{۳۱}

حضرت بهاء الله در بسیاری از الواح مقدّسه که به افتخار جناب ميرزا حيدر على نازل شده به مراتب ایمان و ایقان و خدمات جلیله آن خادم براننده امرالله شهادت داده اند. از جمله در یکی از الواح می فرماید: «یا حيدر قبل على، عليك بهائى و رحمتى. لازال به ذکر و ثنا و عنایت و فضل حقّ جلّ جلاله فائز شدی. این نعمت عظیم است، قدرش را بدان...»^{۳۲}

و در لوحی دیگر می فرماید: «این مظلوم... شهادت می دهد آن جناب فائز شده به آنچه که در کتب و زیر و صحف الهی در ذکر این ایام که سید ایام ظهورات است از قلم اعلى نازل گشته. حمد کن مقصود عالم را به این فیض اعظم فائزى و براءة الله در باره آن شهادت داده و قلم اعلى گواهی...»^{۳۳}

در لوحی دیگر که با مطلع «عليك يا حامل البلاء و المنفى فى سبيل الله مالک الاسماء» آغاز می شود قلم اعلى جناب ميرزا را با خطاب «یا مطلع الوفا» مخاطب ساخته و به مصائبی که آن نفس جلیل در سبیل الهی تحمّل نموده شهادت می دهند.^{۳۴}

لوح مفصل دیگری از حضرت بهاء الله خطاب به جناب حيدر على موجود است که قسمتی از آن در سال ۱۹۲۱ م. در مجله نجم باختر چاپ شده و مطالب آن اکثراً در باره عظمت يوم مبارک و ظهور مبارک است. حضرت بهاء الله در این لوح مبارک از خدمات جناب ميرزا حيدر على تجلیل و در باره جمع آوری الواح از جمله اشراقات و تجلیات و طرازات دستوراتی صادر می فرماید و بعد هم مطالبی در باره هادی دولت آبادی و عقاید وی و نیز در باره معرضین بیان در این لوح مبارک موجود

است و در خاتمه حاوی بیاناتی در باره احترام ماه محرم می باشد. ۳۵

جناب میرزا حیدر علی در کتاب معروف خود بهجت الصدور ضمن تحریر وقایع ایام حیات خویش به بعضی الواح مبارکه که خطاب به ایشان نازل شده اشاره می فرماید و مخصوصاً در یک مورد می نویسد که هنگامی که در زندان خرطوم در سودان بودند هر سال حدود ۴ یا ۵ لوح خطاب به ایشان و زندانیان دیگر عنایت می شده است. به تعدادی از این الواح قبلاً در جریان این مطالعه اشاره شد.

لوح دیگری هم با عنوان «خ ر ط اسراء الله» موجود است که احتمالاً به اعزاز میرزا حیدر علی و همراهانشان در زندان خرطوم می باشد. حضرت بهاء الله در این لوح مبارک که با مطلع «این نامه ای است از مسجون به مسجونان فی سبیل الله» آغاز می شود ضمن اشاره به بلایای عظیمه که اسرای خرطوم تحمل نموده اند آنان را به استقامت دعوت می فرماید و به عنایات الهی بشارت می دهند. ۳۶ در برخی از الواحی که از قلم اعلی به افتخار افراد دیگر صادر شده نیز به حاجی میرزا حیدر علی اشاره و از خدمات ایشان تجلیل شده است.

حضرت بهاء الله از جمله در لوحی که مخاطب آن بر نویسنده این سطور معلوم نیست می فرماید:

«اینکه در باره جناب محبوبی حاجی میرزا حیدر علی علیه بهاء الله الابهی مرقوم داشتید، وقتی از اوقات در باره ایشان این کلمه علیا از لسان مالک وری استماع شد، قوله جل کبریائه: یا خادم، جناب میرزا حیدر علی علیه بهائی زحمات کثیره در سبیل حق جل جلاله حمل نموده اند و به خدمت امر هم به تمام همت مشغولند. انشاء الله مؤید باشند بر تبلیغ نبأ اعظم. حق استعداد عنایت فرماید تا خلق محجوب از کوثر بیان رحمن بیاشامند و به محبة الله فائز گردند. یا حیدر قبل علی، انت المذكور فی ساحتی و القائم علی خدمه امری. کذلک شهد لسان عظمتی فی هذا الحین كما شهدنا قبل حین و نشهد بعد حین. انا نکبر من هذا المقام علیک و علی الدین فازوا برحیتی المختوم...» ۳۷

قسمت دوم - الواح مبارکه صادره از قلم حضرت عبدالبهاء به افتخار حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی

حاجی میرزا حیدر علی پس از خلاصی از زندان سودان دو بار افتخار تشرّف به حضور حضرت بهاء الله پیدا کرد و در آخرین زیارت که در حدود دو ماه طول کشید حاجی بار دیگر از طرف هیکل مبارک مأمور خدمت در ایران شد. وی در اجرای فرمان مبارک به ایران رفت و به خدمات تبلیغی مشغول بود تا اینکه خبر صعود حضرت بهاء الله را در یزد دریافت کرد. حاجی میرزا حیدر علی در بهجت الصدور این داستان غم انگیز را با عبارات زیر تصویر می کند:

«... پاکتی به اسم فانی از حضرت من اراده الله ما سواه فداه محلّ فانی گذارده بودند. چون گشودم

خطّ مبارک بود. انّ النّیر الاعظم المتلئلاً علی آفاق الامم قد غاب عن مشرق العالم و یلوح و یضیء من افقه الابهی و زجاجة ملکوته الاعلی و ینصر من قام علی نصره امره بجنود من الملائة الاعلی و قبیل من الملائكة المقرّبین الی آخر بیانه زیارت نمود. فانی از شدّت بهت مرد و نقشه بلا حرکت و تکلم، حتّی گریه و اسف و حسرت هم فراموش شد و به کلّی مندکّ و مرده...»^{۳۸}

در حقیقت می توان گفت این اولین لوح مبارکی بود که حاجی میرزا حیدر علی از حضرت عبدالبهاء به عنوان مرکز میثاق اهل بهاء دریافت می نمود.

از همان لحظه اول پس از وصول این خبر پرملاّل توجّه حاجی به مرکز میثاق امر بهاء، حضرت عبدالبهاء معطوف شد و با همان عشق و علاقه ای که در خدمت به آستان حضرت بهاء الله ساعی بود به حمایت و دفاع از عهد و میثاق الهی قیام نمود.

حاجی میرزا حیدر علی در اواخر ایام حیات خویش به نیت تشرفّ به حضور حضرت عبدالبهاء به ارض اقدس رفت و در همان جا به اجازه هیکل مبارک مقیم شد و در حدود بیست سال از سال های باقی مانده از حیات خویش را در سایه لطف و عنایت حضرت عبدالبهاء در حین گذراند و در اوت ۱۹۲۵ م. در ارض اقدس صعود کرد و جسد مبارکش در گلستان جاوید حینا مدفون گردید. الواح صادره از قلم حضرت عبدالبهاء به افتخار حاجی میرزا حیدر علی متعدّد و اغلب آنها در تجلیل خدمات ایشان در دفاع از عهد و میثاق الهی است. برای پی بردن به اهمّیت این الواح و مسأله عهد و میثاق یادآوری وقایع پس از صعود حضرت بهاء الله و مقارن جلوس حضرت عبدالبهاء به کرسی وصایت و عهد و میثاق الهی لازم و شایسته به نظر می رسد.

به یاد می آوریم که چگونه صعود جمال اقدس ابهی از عالم ادنی و اعلان و انتشار کتاب عهد مولای اهل بهاء مصائب و شدائد تازه برای حضرت عبدالبهاء به وجود آورد. به خاطر می آوریم که چطور جلوس حضرت عبدالبهاء بر سریر خلافت عظمی سبب شعله ور شدن بغض و حسد برادر نامهربان شد و متوجّه می شویم که به چه نحوی میرزا محمّد علی ناقص اکبر و ناقضان دیگر بر علیه حضرت عبدالبهاء قیام کردند و چه مشکلات شدیده برای آن حضرت فراهم نمودند.

حضرت عبدالبهاء بنفسه المقدّس دقایق و جزئیات دسایس این ناقضین پرکین را در الواح مبارکه وصایا و در لوح مفصل دیگری که بین احباب به لوح هزار بیتی معروف است به روشنی بیان فرموده اند که مطالعه آنها شخص را به اوضاع آن ایام متذکر می نماید.

اقدامات سیئه ناقضان در شرق و انحراف بعضی از مؤمنین اولیّه امر در غرب وحدت جامعه بهائی را تهدید می کرد و در چنان موقعیت و زمانی ثبات و استقامت در عهد و میثاق و توضیح و تشریح اهمّیت آن و دفاع از پیمان الهی تنها ضامن حفظ وحدت جامعه بود.

جناب میرزا حیدر علی اصفهانی هم در کتاب بهجت الصدور شمه ای از وقایع این دوره و فعالیت های سوء ناقضین را شرح داده است.^{۳۹}

جناب دکتر یونس خان افروخته نیز در خاطرات نه ساله عکّا به بعضی از حیل های ناقضین اشاره

کرده‌اند: سرقت آثار مبارکه و مهرهای حضرت بهاء‌الله - ارتباط با اولیای امور سیاسی داخل و خارج و معرفی حضرت عبدالبهاء به عنوان خطری برای مقام سلطنت و خلافت - تهمت زدن به احتیای ثابت و معروف و تکفیر آنان و معرفی کردن آنها در نزد احتیای ساده به عنوان ناقص - ارتباط با هیأت‌های تفتیشیه که مأمور بررسی فعالیت‌های حضرت عبدالبهاء در ساختمان مقام اعلی بودند بعضی از حيله‌هائی بود که ناقضین در مرکز امر، ارض اقدس، به کار می‌بردند. ولی چنان که می‌دانیم همه این نقشه‌ها نقش بر آب شد و ناقضین بی‌وفا نتوانستند رخنه‌ای در امر ایجاد نمایند.

در ایران هم صحبت‌های فتنه‌آمیز کم نبود و ناقضین و مفسدین از هر واقعه‌ای می‌خواستند برای پیشرفت مقاصد سوء خود استفاده نمایند. داستان نقض عهد یکی از احتیای بمبئی موسوم به میرزا حسین علی جهرمی متخلص به فطرت هم در خاطرات نه ساله عکا مندرج است. جمال بروجردی، محمد جواد قزوینی، سید مهدی دهجی، جلیل خوئی هم در گوشه و کنار ایران به تشویش اذهان احتیای مشغول بودند.

در عالم غرب هم ناقضین بی‌کار نبودند. اتباع ناقص اکبر که از پیشرفت سریع امرالله در غرب و مراتب اشتعال و انجذاب احتیای غرب دچار نگرانی شده بودند افرادی را به امریکا فرستادند و با خیرالله که دچار نقض شده بود ارتباط برقرار ساختند ولی آنها هم موفق نشدند رخنه‌ای در امر ایجاد نمایند.

حقیقت امر این است که گرچه فتنه ناقضین چند صباحی سبب نگرانی و اضطراب اهل بهاء بود ولی بالمآل همان طور که می‌دانیم هیچ یک از اقدامات آنان به نتیجه نرسید و نتوانستند انشقاق در امر ایجاد کنند. وحدت امر به برکت وجود مرکز میثاق بهاء حضرت عبدالبهاء محفوظ ماند و امرالله به پیشرفت خود ادامه داد و انتصارات و فتوحات دوره میثاق زینت‌بخش تاریخ امر گردید.

حاجی میرزا حیدر علی یکی از نفوسی بود که به سبب عشق شدید به حضرت عبدالبهاء و با تمسک محکمی که به عهد و میثاق داشت در این زمان به دفاع از عهد و پیمان الهی برخاست و توضیح و تشریح اهمیت ثبات بر عهد و میثاق و تشویق احتیای را به این امر وجهه همت خود در تمام سفرهای خویش قرار داد.

جناب عزیزالله سلیمانی در مصابیح هدایت ضمن شرح احوال حاجی می‌نویسد که حاجی میرزا حیدر علی در ایام جمال اقدس ابهی فکرش منحصر به تبلیغ امرالله و در ایام حضرت عبدالبهاء افکارش در مرتبه اولی دفاع و ایستادگی در مقابل ناقضان و در مرتبه ثانیه تبلیغ بوده است.^{۴۰} بنا بر این جای عجب نیست که اغلب الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء به افتخار حاجی میرزا حیدر علی در باره عهد و میثاق و تجلیل از خدمات ایشان در این زمینه است.

الواح صادره از قلم حضرت عبدالبهاء به اعزاز جناب میرزا حیدر علی را مانند الواح نازله از قلم حضرت بهاء‌الله می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱- الواحی که واسطه آنها حاجی میرزا حیدر علی است:

یک نمونه از الواحی که به واسطه حاجی میرزا حیدر علی ارسال شده لوحی است خطاب به

شخصی به نام میرزا عبدالرحمن شیرازی و حاوی دستورات مخصوص در باره استساخ و تذهیب الواح به نیت ارسال به کتابخانه‌های بزرگ انگلیس و فرانسه است.^{۴۱}

۲- الواحی که به افتخار افراد دیگر صادر شده و در آنها خدمات حاجی مورد تجلیل قرار گرفته است:

از جمله لوح مبارکی است که از قلم مرکز میثاق به تاریخ ۱۳ ذی‌قعدة ۱۳۳۹ ه. ق. خطاب به جناب میرزا محمد خان سرهنگ صادر شده. به طوری که از متن این لوح برمی‌آید جناب میرزا حیدر علی در آن ایام در مدینه مبارکه حیفا عهده‌دار وصول عرائض احبّا بوده‌اند ولی چون وصول عریضه میرزا محمد خان با صعود جناب حاجی مصادف شده بود حضرت عبدالبهاء ضمن اعلام وصول نامه ایشان بیانی به این مضمون می‌فرمایند که چون حضرت حیدر علی به عالم پاک پرواز نموده عبدالبهاء بالتّیابه از ایشان جواب می‌نگارد و سپس در همین لوح مبارک خدمات جناب حاجی را تجلیل و مراتب ثبوت و استقامت ایشان را تحسین می‌فرماید.^{۴۲}

۳- الواحی که به نام جناب میرزا حیدر علی صادر شده و مربوط به خدمات ایشان و بعضی مطالب عمومی دیگر است.

حضرت عبدالبهاء در لوح مبارکی که با مطلع «یا من ثبت علی العهد و الميثاق بقوّة من الافق الاعلی» آغاز می‌شود ثبوت آن نفس نفیس را در عهد و میثاق الهی، استقامتش را در امر بهائی و مجهوداتش را در تبلیغ شریعت رحمانی تحسین و تمجید می‌نمایند.^{۴۳}

در لوح مبارک دیگری که با خطاب «یا من انفق روحه و نفسه و حیاته و جسمه و فؤاده و ذاته فی سبیل الله» شروع می‌شود ضمن تجلیل از خدمات جناب میرزا حیدر علی تأکید می‌فرمایند که «الیوم اهمّ امور و اعظم شؤن قیام به وصایای الهی است و تمسک شدید به عهد و میثاق رحمانی و ثبوت و استقامت بحيث لا تأخذکم فی الله لومة لائم...»^{۴۴}

«یا من تعطرّ الآفاق من نفحات ثبوت علی میثاق الله» مطلع لوح مبارک دیگری است که در آن حضرت عبدالبهاء جناب حاجی را برای مدافعه از عهد و میثاق مأمور به سفر عشق‌آباد می‌نمایند.^{۴۵}

حضرت عبدالبهاء در لوحی دیگر میرزا حیدر علی را با بیانات مبارکه زیر خطاب می‌فرمایند:

«ای عزیز روحانی، شب و روز به یاد تو هستم. آنی فراغت ندارم ولی از کثرت مشاغل مکاتبه را به روح و جان حواله می‌نمایم. همیشه پیش منی و در قلب منی. با همیم و همدمیم و در عبودیت آستان بهاء سهیم و شریکیم. لهذا همدلیم، همجانیم. کلّ را تکبیر ابداع ابهی برسان. در دو آستان عوض من عجز و لابه نما و تصرّع و زاری کن...»^{۴۶}

بیانات شوق‌انگیز زیر نیز نشانه دیگری از محبت حضرت عبدالبهاء به جناب میرزا حیدر علی است: «ای همدم دل و جان، چقدر مسرورم که تو در آنجائی. هر دم به یادت افتم به قسمی روح و ریحان حاصل گردد که عاجز از بیانم. روح المخلصین لک الفداء، امیدوارم روزی آید که روی تو بینم و گفتگوی تو شنوم و علیک البهاء الابهی.»^{۴۷}

این عبارات عنایت آمیز هم در لوح دیگری از قلم مرکز میثاق خطاب به میرزا حیدر علی صادر شده است: «ای جان عزیز، نامه به شما کمتر نگارم زیرا در کارم. حتی بعضی شب‌ها بیدارم، یا نامه خوانم یا به تحریر پردازم، با وجود این از عهده بر نیایم. پس رخ به خاک سایم و شما را تأیید و توفیق ربّ الملائکة و الرّوح خواهم. خوش باش و در نهایت فرح و سرور و بشاشت باش...»^{۴۸}

در لوح دیگری که حضرت عبدالبهاء از رمله خطاب به میرزا حیدر علی در حیفا مرقوم فرموده‌اند و با مطلع «ای یار عزیز و همدم مهربان من» آغاز می‌شود می‌فرمایند: «آنی نمی‌گذرد که به یادم نیائی، نفسی نمی‌رود مگر آنکه به خاطر گذری... فی الحقیقه جای شما خالی است. شهریست در نهایت آبادی، هوا بسیار لطیف. گل و سبزه و چمن تر و تازه. اگر در رمله اقامت دوام نماید... شاید شما را به جهت تغییر ذائقه چند روزی به اینجا می‌طلبم...»^{۴۹}

در لوح دیگری که هنگام سفر جناب میرزا حیدر علی به بادکوبه به افتخار ایشان از قلم مرکز میثاق صادر و ارسال گردیده این عبارات بدیعه مذکور و مسطور است:

«ای منادی میثاق، زینت عالم غیب و شهود و علویّت حقائق وجود عبودیت حضرت مقصود است و بندگی آستان مقدّس ربّ و دود. این خلعت و تشریف زیبایش هیکل آفرینش است و این رداء موزون‌ترین رداء بر قامت اهل هوش و بینش. پس باید کلّ متّفق و متحد شویم و با منتهای آرزو از درگاه احدیت بطلبیم که این گنج بی‌پایان را طلسم اعظم گردیم و این درّ اصداغ بحر ملأ اعلی را درج مفخّم شویم. اگر جولان خواهیم این میدان بسی وسیع است. اگر مائده سمائیه جوئیم این نعمت بسی لذیذ است. اگر کشف منبع خواهیم این ملاذ بسی رفیع. اگر فصاحت و بلاغت جوئیم این مضمون بسی بدیع است و اگر بحر بی‌پایان طلبیم این قلمز بسی عمیق است. اگر گلزار و گلستان خواهیم این گلشن بسی فسیح است.»^{۵۰}

در لوح مبارک زیر دستوراتی در باره تعمیر بیت الله از قلم حضرت مولی الوری خطاب به میرزا حیدر علی صادر گردیده است: «ای ثابت بر پیمان... و اما قضیة تعمیر بیت در مدینه الله بسیار مهمّ است. اگر چنانچه نفسی موفّق بر آن شود این اعظم مواهب الهی است. آن نفس مبارک در ملک و ملکوت مانند ستاره از افق تقدیس درخشنده گردد...»^{۵۱}

در الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء جناب میرزا حیدر علی اغلب با القاب فخریه چون شخص جلیل - من ثبت علی عهده و میثاقه - من ائده الله بنشر نجاته - من ادخره الله لاعلاء کلمته - منادی میثاق و ثابت بر پیمان و خطابات محبت آمیز مانند عزیز روحانی - همدم مهربان - رفیق عبدالبهاء - رفیق روحانی و عزیز جان مورد خطاب قرار گرفته است که از یک طرف حاکی از عنایات لانهای حضرت عبدالبهاء و از سوی دیگر نماینده اشواق قلبی و محبت صمیمانه آن حضرت نسبت به آن نفس نفیس بوده است.

چنان که در مقدمه این مقاله معروض شد تعداد الواح مبارکه که از اقلام مقدّسه حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء به افتخار جناب میرزا حیدر علی اصفهانی نازل و صادر گشته بسیار زیاد است و

درج یا حتی معرفی همه آنها در این اوراق محدود نمی‌گنجد. امید است نمونه‌های چندی که در دو قسمت در ذیل الواح مقدسه حضرت بهاء‌الله و الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء زینت‌بخش این اوراق شد برای ادای مطلب کافی بوده و کثرت این الواح مبارکه و وسعت مطالب مندرجه در آنها را تا حدودی نشان داده باشد.

گرچه آثار مقدسه حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء خطاب به میرزا حیدر علی مطالب کثیره در بر دارند ولی به جرأت می‌توان گفت که یک حقیقت واحد در همه آنها موجود و آشکار است و آن عنایات بی‌کران و تحسین و تجلیل فراوان نسبت به جناب حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی است که خود نشان‌دهنده خدمات جلیله آن خادم ممتاز امر الهی در عهد ابهی و عهد میثاق دور بهائی می‌باشد.

یادداشت‌ها

- ۱- حضرت ولی امرالله، کتاب قرن بدیع، نشر دوّم، دانداس، ۱۴۹ ب.، ۱۹۹۲ م.، ص ۳۷۲.
- ۲- حضرت بهاء‌الله، مجموعه آثار قلم اعلی، شماره ۴۲، ص ۲۳۴ (این مجموعه در سال ۱۳۳۳ بدیع با اجازه محفل مقدس روحانی ملی ایران تهیه شده که نسخه‌ای از آن در مرکز جهانی بهائی موجود است).
- ۳- همان مأخذ، ص ۳۹.
- ۴- کتاب قرن بدیع، ص ۴۳۲.
- ۵- حضرت عبدالبهاء، منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ویلمت، ۱۹۷۹ م.، ج ۱، ص ۷۶.
- ۶- همان مأخذ، ص ۳۳.

۷- *Tablets of Bahá'u'lláh*, Haifa 1978, p. 57.

- ۸- حضرت بهاء‌الله، مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، لانگنهاین، ۱۳۷ ب.، ص ۳۷.
- ۹- طار دهی است نزدیک اصفهان.
- ۱۰- مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی، ص ۴۴.
- ۱۱- همان مأخذ، ص ۳۱.
- ۱۲- همان مأخذ، ص ۳۴.
- ۱۳- همان مأخذ، ص ۳۴.
- ۱۴- همان مأخذ، ص ۳۵.
- ۱۵- همان مأخذ، ص ۳۶.
- ۱۶- جامعه بین المللی بهائی اخیراً در بیانیه‌ای که به مناسبت پنجاهمین سال تأسیس سازمان ملل متحد تحت عنوان نقطه عطف برای تمام ملل *Turning Point for All Nations* منتشر ساخته لزوم انتخاب یا اختراع یک زبان بین المللی را پیشنهاد و تأکید نموده است.
- ۱۷- مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی، ص ۳۸.
- ۱۸- همان مأخذ، ص ۴۰.
- ۱۹- جناب ادیب طاهرزاده در مجلد چهارم کتاب «ظهور حضرت بهاء‌الله» (انگلیسی) به نامعلوم بودن مخاطب این لوح اشاره کرده‌اند. ر. ک.:

Adib Taherzadeh, *The Revelation of Bahá'u'lláh*, vol. 4, Oxford 1987, p. 168.

- ۲۰- محمد علی فیضی، حضرت بهاءالله، نشر دوّم، لانگنهاین، ۱۴۷ ب.، ۱۹۹۰ م.، ص ۲۷۳.
- ۲۱- «دائرة المعارف اشراق خاوری»، ج ۱۳، ص ۲۰۶۶ (به طبع نرسیده است).
- ۲۲- اشاره به بیان مبارک در باره امانت است که در اشراقات نازل و بعد در طرازات نقل گردیده است. ر.ک. مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی، صص ۱۹ و ۷۰.
- ۲۳- Shoghi Effendi, *Unfolding Destiny*, London 1981, p. 424.
- ۲۴- مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی، ص ۱۶.
- ۲۵- همان مأخذ، ص ۱۶.
- ۲۶- حضرت بهاءالله، مجموعه الواح چاپ مصر، قاهره، ۱۹۲۰ م.، ص ۱۳۰.
- ۲۷- بیانات مبارکه در این پاراگراف از لوح مبارک طرازات نقل شده. ر.ک. مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی، صص ۱۷-۱۸.
- ۲۸- مجموعه آثار قلم اعلیٰ، شماره ۴۲، ص ۱۸۲.
- ۲۹- حضرت بهاءالله به نقل از بهجت الصدور، ص ۹۶.
- ۳۰- همان مأخذ، ص ۲۶۹.
- ۳۱- مجموعه آثار قلم اعلیٰ، شماره ۴۲، ص ۱۸۸.
- ۳۲- همان مأخذ، ص ۲۰۳.
- ۳۳- همان مأخذ، ص ۲۳۴.
- ۳۴- متن کامل این لوح مبارک در صفحات اولیّه این مجموعه طبع شده است.
- ۳۵- مجله نجم باخت، ج ۱۲، شماره ۸، سنه ۱۹۲۱ م.، ص ۱۵۲.
- ۳۶- متن کامل این لوح مبارک در صفحات اولیّه این مجموعه طبع شده است.
- ۳۷- مائده آسمانی، ج ۸، ص ۵۹.
- ۳۸- بهجت الصدور، ص ۳۱۱.
- ۳۹- همان مأخذ، ص ۳۲۰.
- ۴۰- عزیزالله سلیمانی، مصابیح هدایت، ج ۱، ص ۹۲.
- ۴۱- این لوح مبارک تا آنجائی که نویسنده اطلاع دارد تاکنون به طبع نرسیده است.
- ۴۲- این لوح مبارک تا آنجائی که نویسنده اطلاع دارد تاکنون به طبع نرسیده است.
- ۴۳- نقل از ظهور الحق تألیف جناب فاضل مازندرانی، ج ۸، ص ۱۱۱۹.
- ۴۴- همان مأخذ، ص ۱۱۲۰.
- ۴۵- همان مأخذ، ص ۱۱۲۱.
- ۴۶- مجموعه آثار مبارکه، شماره ۸۴، ص ۱۱۶. (این مجموعه با اجازه محفل مقدس روحانی ملی ایران در سال ۱۳۳۳ بدیع تهیه شده و یک نسخه از آن در ارض اقدس موجود است.) متن کامل این لوح مبارک در صفحات اولیّه این مجموعه به طبع رسیده است.
- ۴۷- همان مأخذ، ص ۱۲۱.
- ۴۸- همان مأخذ، ص ۱۳۰.
- ۴۹- همان مأخذ، ص ۱۱۴.
- ۵۰- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالهیا، حیف، ۱۹۸۴ م.، ج ۲، صص ۶۵-۶۶.
- ۵۱- نقل از خاطرات حبیب، ج ۱، ص ۱۰۸.

فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لِتَعْلَمُوا

حَدَّثَنَا
أَبُو هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
أَمَرَ فِرْعَانَ أَنْ يَخُذَ بِأُذُنِ الْغُرَفَانِ
فَلَمَّا بَرِحَتْ لَيْلَةُ الْغُرَفَانِ فِي ظَهْرِ
الْحَجْرِ وَالْتَبَلَا بِسَمْتِ حَرِّ يَدَيْهِ وَأَقْبَرَتْ
عَيْنَا سِرَّةً سِلَاسِلَ الْقَضَا إِلَى شَطْرِ الْحَاءِ هَدَى
مُحَمَّدٌ بَارِئِيكَ وَرَبِّكَ يَحْفَظُ أَهْلَ عَرَفَاتٍ كَرِيمًا
كَمَا حَصَلَ خَلَصًا كَمَا تَعَيَّنَ فُطِرَتْ تَوْبَةً
بَعَيْنِ أَنْصَارٍ وَالْأَعْلَى مَلَأَ
فَرَا وَأَمْرًا بِيكَاشِ هَيَّجًا
وَذَلِكَ فِي وَسْطِ مَرَا
الذِّكْرِ
١٣١٢

الْأَيْدِي كَرِيمًا تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ

صفحة أول (روى جلد) كتاب دلائل العرفان في ظهور الحجّة و التبيان
تأليف حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی - چاپ بمبئی - ۱۳۱۲ هـ.ق.